

## نگاه ایرانی



حمیدرضا محمدی

هم‌چوان‌ترین است و هم‌آخرین؛ او جوان‌ترین کسی است که در بریتانیا، «تاریخ ایران» تدریس می‌کند اما در مقابل آخرین کسی است که دارای شغلی با عنوان «ایران‌شناسی» در دانشگاه متنوع خود است و در آن به فعالیت علمی می‌پردازد. او که حالا ۳۶ سال بیشتر ندارد در محضر ایران‌شناسان بزرگ انگلیسی درس آموخته و حالا خود حتی بانی برگزاری کنفرانس‌های علمی درباره تاریخ ایران در همان نهاد علمی نیز نشده است. باین تفاوت که او تمرکز خود را بر تاریخ معاصر گذاشته است؛ هم درباره زوایای تاریخ کودتای ۲۸ مرداد پژوهش دارد هم انقلاب اسلامی و حتی جنگ تحمیلی. اگرچه به سبب فعالیت‌های علمی پدر در لندن متولد شده، سال‌های کودکی و نوجوانی را در ایتالیا سپری کرده و به گفته خودش، در مجموع ۱۱ ماه از تمام زندگی‌اش را در ایران گذرانده اما علاقه‌اش به ایران و روایت صحیح و دقیق تاریخ آن، قابل‌کتمان نیست. جالب‌آنکه او خود مؤسس آرشیو آنلاین روزنامه‌های نیایاب ایرانی در همان دانشگاه هم بوده البته مدتی تجربه خبرنگاری را هم از سر گذرانده و به عنوان نماینده یک روزنامه ایتالیایی، انتخابات ریاست جمهوری ۱۱ سال پیش را پوشش داده است. اما او از موانع سیاسی میان دو دولت ایران و انگلیس که بر سر مسائل علمی، مشکل ایجاد می‌کند، شکایت دارد و معتقد است وقتی استادان ایرانی و انگلیسی، امکان رفت‌و آمد نداشته باشند، ایران‌شناسی در بریتانیا به عقب‌گرد ادامه خواهد داد. آنچه پیش‌روست، متن گفت‌وگو با «سیاوش رنجبر دائمی»؛ استادیار تاریخ ایران در دانشگاه منچستر انگلیس است که در ادامه می‌خوانید.

## گفت‌وگو با «سیاوش رنجبر دائمی»؛ استادیار تاریخ ایران در دانشگاه منچستر انگلیس

## واپسین کرسی‌های ایران‌شناسی در بریتانیا

■ برای ورود به بحث، بفرمایید در چه خانواده‌ای رشد یافتید؟ این پرسش را از این جهت مطرح می‌کنم که آیا فضایی که در آن پرورش یافتید، در جهت گیری آینده شما تأثیر داشته است؟

من در مرداد سال ۱۳۵۹ در لندن متولد شدم اما حدود دوماه بعد از آن، خانواده‌ام به ایتالیا سفر کردند و در آنجا مستقر شدند. بنابراین تا ۱۹ سالگی در ایتالیا بودم و دوره‌های گوناگون مدرسه را طی کردم.

■ پدر و مادر شما تا چه سالی در ایران بودند؟

آنها تا سال ۱۹۷۴ میلادی در ایران بودند. خانواده‌ام کاملاً ایرانی هستند و من در یک خانواده کاملاً ایرانی بزرگ شدم. پدرم که اصالتاً تبریزی است، فارغ‌التحصیل رشته فیزیک بود و در یکی از دانشگاه‌های لندن درس خوانده بود، به همین دلیل هم در لندن متولد شدم. او در حوزه فیزیک فعالیت می‌کرد و سابقه دیرینه همکاری با مراکز دانشگاهی ایران هم دارد. او یکی از کسانی است که برنامه فیزیک دانشگاه شریف در سال ۱۳۷۰ را راه‌اندازی کرده و با محیط دانشگاهی ایران مخصوصاً در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ همکاری‌های خیلی نزدیکی داشته و حتی با وزیر آموزش و پرورش وقت؛ آقای محمدعلی نجفی هم ارتباط و دوستی داشته و دارد.

■ زمانی که ایتالیا بودید، به دانشگاه رفتید؟

خیر، من تمام دوران دانشگاهی‌ام لیسانس تا فوق لیسانس و دکتری را در لندن گذراندم. ■ چه سالی دوباره به انگلیس برگشتید؟ من بلافاصله پس از پایان یافتن دوران مدرسه در ایتالیا، در سال ۱۹۹۹ به انگلیس رفتم و در ابتدا در رشته اقتصاد از مدرسه اقتصاد دانشگاه لندن لیسانس گرفتم. بعد از آن چندسالی در زمینه‌های مختلف کار کردم. به مرور علایقم به ایران زیاد شد و وارد عرصه خبرنگاری شدم. در این زمان برای دو روزنامه ایتالیایی خبرنگار حوزه ایران شدم و تعداد زیادی مقاله نوشتم و حتی در سفرم به ایران بعد از ۲۰ سال، به عنوان خبرنگار این روزنامه‌ها بودم.

■ چه روزنامه‌هایی؟ «ایل مساجرو» (Il Messaggero) که یکی از مهم‌ترین روزنامه‌های شهر رم است و روزنامه‌ای دیگر که ارگان حزب دموکرات ایتالیا بود و اکنون تعطیل شده است. ■ تجربه خبرنگاری برای شما چگونه گذشت؟ تجربه خیلی مفیدی بود. دوره ماقبل آخری که به ایران آمدم سال ۱۹۹۶ بود و ۹ سال بعد از آن من دوباره به ایران آمدم و آن هم یک روز قبل از دوره اول انتخابات سال ۱۳۸۴ که با مجوز رسمی وزارت ارشاد و البته گذرنامه ایرانی. چون از کودکی گذرنامه ایرانی داشتم. به ایران آمدم و آن زمان تازه متوجه شدم که وضعیت روزنامه‌نگاری که با مجوز کار کند چگونه است. سفر خیلی جالبی بود و خاطره‌ای که از آن دارم، از تبلیغات و فعالیت‌های انتخاباتی نامزد‌های مختلف است. البته من بعد از آن برای ۴ سال دیگر هم به طور مستمر مشغول کار خبرنگاری بودم به طوری که منبع درآمد بود. چون لندن شهر خیلی گرانی بود ولی من از اول وارد عرصه



## نیم نگاه

■ تدریس انقلاب ایران علاقه را بیشتر و کینه را کم کرده است. دیدگاه دانشجویان کنجکاوانه است و نه تحقیرآمیز

■ ایران‌شناسی در بریتانیا، در دانشگاه‌هایی که جنبه سیاسی ندارد، در حال به حاشیه رفتن است و تنها آنهایی پابرجا مانده‌اند که حامی مالی پیدا کرده‌اند

■ کارکرد عربی برای دانشجویان، بویژه بازار کار با دیگر زبان‌های خاورمیانه بسیار تفاوت دارد و به همین سبب هم هست که هر سال، متقاضیان بسیاری ثبت‌نام می‌کنند

■ تابستان امسال، در دانشگاه منچستر، کنفرانسی به بهانه کودتای ۲۸ مرداد برگزار کردیم اما متأسفانه به هیچ‌یک از استادان مدعو ایرانی، ویزا داده نشد

■ من آخرین کسی هستم که در هیأت علمی دائم در دانشگاه منچستر، در شغلی با عنوان دقیق ایران‌شناسی مشغول است و شاید آخرین کسی باشم که در دانشگاه منچستر، برای کرسی که هدفش ایران‌شناسی بود، حضور دارم



میزان همکاری‌های دانشگاه‌های ایران و انگلیس، در حوزه ایران‌شناسی در سطح بسیار ابتدایی قرار دارد. زیرا سال‌ها است که ایران‌شناسی در بریتانیا، تابع فضای سیاسی میان دو کشور بوده و ما هنوز هم با مشکلات بسیار حادی مواجه هستیم که نمونه آن، سیاست سخت‌گیرانه دولت انگلیس در اعطای ویزا به پژوهشگران ایرانی است

در زمینه تاریخ، او استاد راهنمای کسان بسیاری بود که در رشته تاریخ ایران در دانشگاه لندن به تحصیل می‌پرداختند یا به خیلی‌ها، کمک‌های مشورتی می‌داد و این باعث می‌شد تعداد کسانی که از تلاش‌های او بهره ببرند و به رتبه‌های دانشگاهی بالا برسند زیاد باشد. من می‌توانم دو مثال بیان کنم که هر دو در دانشگاه تهران تدریس می‌کنند و زمانی دانشجوی او بودند: حمیدرضا جلایی‌پور و علی‌اصغر سعیدی که اگرچه هر دو استاد جامعه‌شناسی هستند اما فراموش نکنیم که ممکن است او دقیقاً استاد راهنمای اصلی آنها نبوده باشد اما بویژه آقای سعیدی کارهای تاریخی انجام می‌دهد ولی شَم جامعه‌شناختی دارد. ولی خانم مارتین نقش پررنگ‌تری در پایان‌نامه دکترای آنها داشته و شما می‌بینید که خیلی موفق هستند. بنده هم که در حال حاضر ۴ سال است که پست‌دالم. به عنوان یکی از تنها پست‌های دائم تاریخ ایران در دانشگاه‌های بریتانیا را در اختیار دارم و هم اگر اشتباه نکنم جوان‌ترین کسی هستم که پست دائم را در تاریخ ایران در بریتانیا دارم، هم‌ماش محصول زمینه‌چینی خانم مارتین است که در تقویت زمینه تاریخ ایران در بریتانیا در بازه زمانی ۳۵ تا ۴۰ سال اخیر نقش بسیار مهمی ایفا کرده و دست‌کم بنده بسیار به او مدیون هستم.

■ با توجه به شناختی که دارید، خانم مارتین چه قدر به روایت وفادارانه تاریخ توجه دارد؟

خانم مارتین به هیچ وجه غرض

برنامه است. یعنی فارسی از اول ابتدایی تا سطحی که تا سال آخر، دانشجویان بتوانند به یک روزنامه یا حتی سند را بخوانند. بخش دیگر حداقل مجموعه‌ای از دروس علوم انسانی است که شامل تاریخ، ادبیات و جامعه‌شناسی و اگر ممکن است درس‌های دیگر باشد. بنابراین هر دانشگاهی که بخواهد برنامه ایران‌شناسی داشته باشد، باید بتواند اینها را هم‌زمان در قالب مثلاً یک برنامه درسی لیسانس یا فوق لیسانس ارائه بدهد. دانشگاه‌هایی که این قابلیت را دارند در حال حاضر در بریتانیا، فقط دانشگاه سواز (soas) در لندن هست که به هر روی مدرسه مطالعات مشرق‌زمین و آفریقا است. بنابراین این دانشگاه هم اکنون یک برنامه فوق لیسانس دارد که برنامه‌های گوناگونی در حوزه ایران‌شناسی دارد. البته در سطح لیسانس که دقیقاً ایران‌شناسی نیست ولی نزدیک به آن هست. دانشگاه‌های دیگر که فعلاً این امکان را دارند آکسفورد و کمبریج هستند. آنها به لحاظ سیاسی خیلی قوی هستند و اتفاقاً مشکلی که ما با آن مواجه هستیم تعداد بسیار کم دانشجویان است که بخواهد در مطالعات ایران تحصیل کند ولی برای آکسفورد (University of Oxford) و کمبریج (University of Cambridge) مهم نیست و حتی با دو دانشجوی در هر سال تدریس می‌کنند و برنامه ایران‌شناسی را با پرچا نگه می‌دارند. در اسکاتلند هم دو دانشگاه داریم که یکی دانشگاه سنت‌اندروز (University of St Andrews) است که

این کار بگوید که چگونه انجام شد و اکنون در چه مرحله‌ای است؟ در سال ۲۰۱۲ که وارد دانشگاه منچستر شدم، مطلع شدم که کتابخانه درصدد پیگیری برنامه دیجیتال‌سازی است. چون در همه کتابخانه‌های دانشگاهی بریتانیا، ارائه روزنامه، سند، مقاله و کتاب، به شکل آزاد در دسترس است. من در این سال‌ها، تعداد زیادی از روزنامه‌های تاریخی را جمع‌آوری و آرشیو کرده بودم. با حمایت دانشگاه، حتی از آمریکا هم روزنامه‌های نیایاب خریداری شد. براین اساس، این طرح بدل به اتفاقی شد که تاکنون در هیچ‌یک از مراکز دانشگاهی و پژوهشی انجام نداده که آن، عرضه آنلاین روزنامه‌های تاریخی ایرانی است. البته ما هیچ نیت سیاسی یا مالی از این کار نداشتیم و هدف، تنها این بود که روزنامه‌هایی که تاکنون در معرض عموم قرار نگرفته، مورد استفاده قرار بگیرد. مثلاً در ایران، روزنامه اطلاعات، تمام شماره‌های تاریخی خود را بصورت CD آرشیو کرده اما روزنامه کیهان، سه سال و نیم بعد از انقلاب ۱۳۵۷ را نداشت و ما مجبور شدیم از نسخه کاغذی، اسکن بگیریم. اما از این گذشته، واکنش جالب توجه رسانه‌های ایران به این اتفاق خجسته بود. حالا با حمایت دانشگاه، نوبت دوم این طرح، در آستانه کامل شدن است. ما پیش‌تاز بودیم اما انگیزه‌مان این نیست که تکرر باشیم و تمایل داریم با دانشگاه‌های ایران هم همکاری داشته باشیم. اما از خارج از ایران، در

بیشتر به ابتکار آقای دکتر علی انصاری ۱۰ سال اخیر یک برنامه ایران‌شناسی کامل راه‌اندازی کرد که زبان و ادبیات فارسی و تاریخ تدریس می‌شود. دیگری هم، دانشگاه ادینبورگ (University of Edinburgh) است که دست‌کم یک فوق لیسانس در تمدن ایرانی برگزار کرد. این دانشگاه‌ها توانستند از این مشکل و چالش‌های بسیاری عبور کنند و ما هم در این زمینه با مخالفت رؤسای دانشگاه برای فعال نگه داشتن، با تعداد کم دانشجو، موفق نبودیم. در همین راستا چندسال پیش تصمیم گرفتیم که تدریس زبان فارسی و تدریس دو زبان دیگر یعنی عربی و ترکی از بخش خاورمیانه‌شناسی حذف شود و من هم از بخش خاورمیانه‌شناسی به بخش تاریخ منتقل شدم.

■ اما زبان عربی همچنان برقرار است؟ بله، همچنان پابرجا است و دلیل آن هم این است که کارکرد عربی برای دانشجویان، بویژه بازار کار بسیار با دیگر زبان‌های خاورمیانه تفاوت دارد و به همین سبب هم هست که هر سال، متقاضیان بسیاری ثبت‌نام می‌کنند.

■ اشاره کردید که دانشگاه منچستر نخستین نهاد آکادمیک در بریتانیا هست که ایران‌شناسی را ایجاد کرده است. درباره پیشینه این رشته در این دانشگاه و وضعیت امروز بگویید. این اتفاق به قرن نوزدهم برمی‌گردد که یک اسقف مسیحی کاتولیک که در شهر سالفورد مستقر بود و خیلی هم فرهیخته و در زمینه‌های گوناگون تخصص داشت، مطالعات ایرانی را به عنوان رشته راه‌اندازی می‌کند. آن هم در شرایطی که حتی هنوز دانشگاه کمبریج هم این رشته را نداشت.

■ یعنی شما چیزی که در دانشگاه منچستر دارید در واقع یک برنامه محدود تاریخ ایران است؟

محدود به واحدهایی که بنده تدریس می‌کنم. البته من تا سال پیش همکاری به نام «الیور باست» (Oliver Bassett) داشتم که از ایران‌شناسان بسیار ورزیده و با تجربه بود. اما او به جانشینی آقای «یان ریشار» (Yann Richard) به دانشگاه سوربن رفت. بنابراین من تنها ماندم. البته این به این معنا نیست که در دانشگاه منچستر، ایران تدریس نشود. اتفاقاً من از سال پیش نوآوری وارد کردم و حالا در بریتانیا تدریس‌های هستم که واحد تخصصی لیسانس درباره تاریخ ایران معاصر تدریس می‌کنم.

■ یکی از فعالیت‌های شما، آرشیو آنلاین نشریات نیایاب ایرانی است. درباره روند

حال حاضر با کتابخانه ایرانیان لندن و مرکز اسلامی دانشگاه آکسفورد، وارد مشارکت شده‌ایم.

■ آیا تا به حال از نهادهای آکادمیک ایران هم بازخورد با علاقه به همکاری داشته‌اید؟

خیر، تا به امروز، درخواستی برای همکاری نداشته‌ایم. البته فراموش نکنید میزان همکاری‌های دانشگاه‌های ایران و انگلیس، در حوزه ایران‌شناسی در سطح بسیار ابتدایی قرار دارد. زیرا سال‌هاست که ایران‌شناسی در بریتانیا، مسحور فضای سیاسی میان دو کشور بوده و ما هنوز هم با مشکلات بسیار حادی مواجه هستیم که نمونه آن، سیاست سخت‌گیرانه دولت انگلیس در اعطای ویزا به پژوهشگران ایرانی است. تابستان امسال، در دانشگاه منچستر، کنفرانسی به بهانه کودتای ۲۸ مرداد برگزار کردیم اما متأسفانه به هیچ‌یک از استادان مدعو ایرانی، ویزا داده نشد. ■ با توجه به تدریس انقلاب ایران، دیدگاه دانشجویان چگونه است؟

علاقه را بیشتر و کینه را کم کرده است. یعنی بیشتر دانشجویان ما قصد شناخت بیشتر از ایران و نه محکوم کردن آن وارد این عرصه می‌شوند و درست است که واحدهای من در درباره انقلاب ایران است اما باید با دید گسترده‌تری نگه کرد. به هر حال، تاکنون کسی درباره انقلاب ایران و حتی جنگ، تدریس نداشته و من در هر دو، نخستین نفر هستم. من هتته به هتته، روند پیروزی انقلاب ایران و نقش علما و نیروهای اجتماعی را شرح می‌کنم. در این باره، دیدگاه دانشجویان کنجکاوانه است نه تحقیرآمیز. همه دانشجویان هم باید پایان‌نامه ۱۲ هزار کلمه‌ای درباره ایران بنویسند که بسیاری از آنها کار جالب و جذابی می‌نویسند. توجه کنید دانشجویی که هیچ شناختی از ایران ندارد، طی یک سال پایان‌نامه‌ای با ظرافت تمام می‌نویسد که می‌توان فهمید او شفته‌ای موضوع شده است. برای کرسی که هدفش ایران‌شناسی بود، حضور دارم.

شخصی و سیاسی ندارد و بر خلاف خیلی از غیر ایرانی‌هایی که وارد زمینه تاریخ ایران شدند، اصلاً گرایش اگزیستانسیالیستی ندارد، بلکه به سبک بسیاری، تاریخ‌نگاری را به عنوان علم و سوز‌اش را به عنوان هدف اصلی و با یک تعریف علمی انتخاب کرده و از روایت احساساتی یا خلاف واقع یا اصطلاحاتی مثل اینکه کار، کار انگلیسی‌ها است یا فلان شخصیت انگلیسی یا روسی است، پرهیز می‌کند و به طور بسیار عمیق به وقایع می‌پردازد. به یاد دارم خانم مارتین مقاله‌ای درباره حاج آقا نورالله اصفهانی نوشته بود و یک نسخه از آن را به من داد و گفت که ۶ سال روی این مقاله کار کردم. من تعجب کردم که چرا باید روی مقاله‌ای ۹ هزار کلمه‌ای ۶ سال کار کند. او می‌گفت که من داشتم به پایان آن می‌رسیدم و حس می‌کردم که هنوز آماده نیست و برای این شد که ۶ سال طول کشید. توجه کنید که این مقاله یک مقاله ۹ هزار کلمه‌ای بوده و روی یک موضوع بسیار محدود هم کار شده است.

■ شما وقتی در سال ۲۰۱۱ دکتری گرفتید، مستقیماً به دانشگاه منچستر آمدید یا جای دیگری مشغول شدید؟

بله، من در سپتامبر ۲۰۱۱ پایان‌نامه را تحت‌سرمد و ۱۰ ماه بعد هم در رویال هالووی دانشگاه لندن (Royal Holloway, University of London) Sussex) دو واحد برداشتم و به عنوان مدرس فقهی درس می‌دادم. این امکان در دانشگاه‌های بریتانیا رایج است که به دلیل فقدان نیرو، کسی برای مدت یک سال استخدام شود و بابت تدریس واحدهای خاص، ساعتی هم حقوق بگیرد. در پایان این سال، آگاهی شغل فعلی‌ام در دانشگاه منچستر (University of Manchester) منتشر شد. این نخستین باری بود که من برای پست ایران‌شناسی تقاضای استخدام می‌دادم. ساعت ۱ بعدازظهر برای مصاحبه وارد دانشگاه منچستر شدم و ساعت ۶ به من خبر داده شد که قبول شده‌ام. به این ترتیب، در اول سپتامبر ۲۰۱۱ مشغول به کار شدم.

■ وضعیت فعلی مطالعات تاریخ ایران و اساساً ایران‌شناسی در بریتانیا چگونه است؟ اگر درباره ایران‌شناسی صحبت کنیم که جمع چند رشته گوناگون است. یعنی اگر بخواهید برنامه ایران‌شناسی در شکل بسیار ابتدایی راه‌بندازید، ابتدا باید یک روز تدریس زبان فارسی باشد که آن ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین بخش

تفاوت کرده است. به طور خاص، دانشگاه منچستر، در گذشته ایران‌شناسی داشت و حتی به نوعی می‌توان گفت نخستین دانشگاهی بود که در بریتانیا در زمینه ایران‌شناسی به فعالیت پرداخت اما حالا متأسفانه کار به جایی رسیده است که من آخرین کسی هستم که در هیأت علمی دائم در دانشگاه منچستر، در شغلی با عنوان دقیق ایران‌شناسی مشغول است. خانم مارتین هم همین طور بود. یعنی چون او در گروه تاریخ در مؤسسه پژوهشی رویال هالووی دانشگاه لندن بوده و اصلاً لقب استاد تاریخ خاورمیانه را یدک می‌کشید با من که استادیار تاریخ ایران هستم، تفاوت می‌کند. خانم مارتین در حال حاضر بازنشسته شده و مفتخر به درجه ام‌ریتوس (Emeritus) شده که یک درجه افتخاری در دانشگاه لندن هست که به افراد عالی‌رتبه علمی تعلقی می‌گیرد. هرکس که بازنشسته می‌شود این لقب را نمی‌گیرد بلکه کسانی که خدمت کردند و درجه علمی بالایی دارند شایسته دریافت چنین لقبی پس از بازنشستگی هستند. او برای سال‌های مدیدی در انجمن ایران‌شناسی بریتانیا در سال‌های قبل از انقلاب که هنوز هم در باغ سفارت در خیابان شریعتی تهران فعالیت می‌کند.

■ در حال حاضر رئیس آن در تهران چه کسی است؟

این انجمن در تهران، رئیس علمی ندارد بلکه بیشتر رئیس اداری دارد. اما رئیس علمی آن، آقای علی انصاری است که استاد تاریخ ایران در دانشگاه سنت‌اندروز است. اما خانم مارتین برای کل دهه ۱۳۵۰ در همین انجمن در تهران کار می‌کرد. پس از آن هم در زمینه ایران‌شناسی بسیار فعال بود و به تقویت این رشته و فعالیت‌هایی نظیر همین، خیلی کمک کرد. علاوه‌بر این،

تحقیق و پژوهش شدم چون هدف خود را حضور در محافل دانشگاهی گذاشتم و نه تداوم روزنامه‌نگاری. اما همین اتفاق باعث شد که به موضوع پایان‌نامه دکتری برسم؛ آن را بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ نوشتم که بررسی تاریخی ریاست جمهوری و بر جایگاه آن در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران بود؛ یک موضوع نسبتاً جدید که تا آن زمان پرداخته نشده بود.

■ یعنی شما در سال ۲۰۰۸ خبرنگاری را کنار گذاشتید؟

بله، تا آن موقع بودم ولی بعد به تدریج کنار گذاشتم چون از لحاظ مالی دیگر برابرم جذابیت نداشت. مسأله‌ای که تصور می‌کنم روزنامه‌نگاران ایرانی هم با آن دست به گریبان باشند.

■ آن زمان دیگر ساکن لندن شده بودید؟

بله، من از سال ۲۰۰۶ به بعد در لندن ساکن شدم تا سال ۲۰۱۲ که به شهر منچستر آمدم.

■ استاد راهنمای شما برای پایان‌نامه دکتری چه کسی بود؟

خانم «ونسا مارتین» (Vanessa Martin) «بود که تعدادی از کتاب‌هایش مانند «عهد قاجار؛ مذاکره، اعتراض و دولت در ایران قرن سیزدهم» و «دوران قاجار؛ چانه‌زنی، اعتراض دولت در ایران قرن نوزدهم» در ایران و به فارسی ترجمه شده است. او یک کارشناس زبردست دوره قاجار و یک استاد خیلی خوشنام و پرکاری است که من واقعاً از او بسیار آموختم.

■ جایگاه خانم مارتین در پژوهش‌های ایران‌شناسی و مطالعات تاریخ ایران معاصر چگونه است؟

ابتدا یک نکته را مطرح کنم که به نظرم بسیار مهم هست. اینکه ما در انگلستان، در حوزه ایران‌شناسی، فعالیت آکادمیک داشته‌ایم اما اکنون وضعیت